

پدید آمدن فرّ او کان زر

در مُقدّمه شاهنامه فردوسی (پس از آمدن ابیاتی ذیلِ عناوین «ستایشِ خِرَد»، «آفرینشِ عالم»، «آفرینشِ آدَمیان»، «آفرینشِ آفتاب»، «آفرینشِ ماه»، «ستایشِ پیغمبر و یارانِش»، «فراهم آوردن شاهنامه»، «داستانِ دقیقی شاعر»، «بنیاد نهادنِ کتاب»، و «ستایشِ ابومنصور» و پیش از پادشاهی کیومرث، در ستایشِ سلطان محمود غزنوی ابیاتی آمده است که چنین آغاز می‌شود:

جهان آفرین تا جهان آفرید چُنسو شهریساری نیامد پدید
و بعد از دو بیت آمده است:

ابوالقاسم آن شاه پیروز بخت نهاد از بس تاج خورشید تخت
ز خاور بیاراست تا باختر پدید آمد از فرّ او کان زر

شاهد بر سر مصراع اخیر است که به پدیدار شدن معدن زری اشاره دارد که به نظر شاعر: بخت بلند و فرّ شاه‌ی و طالع مساعد محمود، عامل آشکار شدن آن است. و این واقعه‌ای است که حقیقت دارد و واقعاً در آغاز سلطنت امیر غزنوی چنین معدن زری پیدا آمده است و غیر از فردوسی، شاعری از معاصران محمود و مورّخی در دوران بعد از آن یاد کرده‌اند، اما بُنداری، فتح بن علی بن محمد اصفهانی که شاهنامه را در فاصله سالهای ۶۲۰ تا ۶۲۴ هجری به عربی برگردانده است با اینکه تذکر مدیحه فردوسی در حق امیر محمود شده، آن مدیحه و تمام مقدمه شاهنامه را ترجمه نکرده است و مرحوم دکتر عبدالوهاب عزام مصحح کتاب که آن مدیحه و مقدمه را خود در آغاز ترجمه بُنداری جای داده است، متوجه این واقعه نشده و دو بیت اخیر را چنین ترجمه کرده است:

«فأبو القاسمُ المَلِکُ المَظفَرُ قَدْ وَضَعَ عَلَی تاجِ الشَّمسِ عَرَشَهُ فَاشْرَقَتِ الأَرْضُ مِنَ المَشْرِقِ إِلَى المَغْرِبِ وَ تَفَحَّتْ کُنُوزُها لِلمَجْدِهِ»، یعنی پس ابوالقاسم شاه فیروز و مظفر، پایه تخت خود بر تاج ماه نهاد و از خاور تا باختر زمین درخشان شد و گنجهای خود را به فرّ و بزرگواری او گشود. وی فاعل فعل هر دو مصراع بیت دوم را زمین دانسته است و حال آنکه در مصراع اول فاعل محمود است و در مصراع دوم معدن زر.

اما مورّخی که از گنج مورد اشاره یاد کرده است حَمْدُالله (یا حَمْد) مستوفی قزوینی است. وی در تاریخ گزیده که به سال ۷۴۰ هجری تألیف کرده است چنین می‌نویسد:

«... در اول سال حکومتش در نیستان معدن زری سرخ به شکل درختی در زمین پدید آمد، چندانکه به شیب می‌رفتند قویتر بود و زر خالص برمی آمد تا چنان شد که دورش سه گز گشت. در زمان سلطان مسعود از زلزله کوه ناپدید شد...»^۳

چند نکته درباره این عبارت تاریخ گزیده گفتنی است:

یکی سال اول حکومت محمود غزنوی است که ظاهراً باید ۳۸۹ هجری را محسوب داشت، هرچند به حسابی سال ۳۸۷ را نیز می‌توان دانست که آغاز امارت او باشد به جلوی پدرش. بدین توضیح که پدرش سبککین که امارت غزنه را داشت در شعبان ۳۸۷ در راه بلخ به غزنه درگذشت. محمود که سپهسالار خراسان و این هنگام در نیشابور بود به هرات آمد. چه برادر کهنترش اسماعیل بنا به وصیت پدر در غزنین به امارت نشسته بود و محمود به یاری عَمّش بُغراچق و برادر دیگرش نصر بر اسماعیل در محرم ۳۸۸ غلبه کرد و امارت غزنین را به دست آورد. در ذی قعدة سال ۳۸۹ هجری است که خلیفه عباسی القادر بالله محمود را با لقب یَمینُ الدّوله و امینُ المِله رسماً به جای سامانیان والی

خراسان کرده است، و البته مقارن این احوال لقب «سلطان» را گویندگان و نویسندگان به وی داده بودند، عنوانی که نخستین بار برای پادشاهی به کار رفته است.^۴
 نکته دوم محل پیدا شدن این معدن است که در تاریخ گزیده سیستان ذکر شده است، اما چنانکه خواهیم دید معاصران محمود کوه غزنین را محل آن دانسته‌اند.
 نکته سوم آنکه معدوم شدن معدن مذکور در نسخه چاپ لندن تاریخ گزیده در زمان محمود غزنوی نوشته شده است و حال آنکه در چاپ طهران، چنانکه نقل شد، به دوران سلطنت مسعود برمی‌گردد و ظاهراً ضبط چاپ طهران درست باشد. با مؤیدی که بر آن از شعر فرخی سیستانی نقل خواهد شد.

اما شاعر معاصر محمود غزنوی و پسرش مسعود که از این معدن یاد کرده است فرخی سیستانی (متوفی به سال ۴۲۹ هجری) است. این گوینده بزرگ فارسی در پنج قصیده، این معدن را با صفائی از قبیل «زر روینده»، «زرکانی» و «زر رویان» ذکر کرده و محل آن را کوه غزنین دانسته است بدین تفصیل:

یک- در قصیده‌ای به مدح محمود غزنوی با مطلع:

تا گرفتیم صنما وصل تو فرخنده به فال	جز به شادی نسپردم شب و روز و مه و سال
پس از ایاتی در نشیب و ورود به مدح گوید:	
کیست آنکس که سر از طاعت تو بازکشد	که نه چون ایلک آید سته و چون چپپال
چون خداوند، سخا در کف راد تو بدید	گفت با بخشش تو بس نبود بیت المال
کوه غزنین ز بی آنکه ببخشی به مراد	زر روینده پدید آورد از سنگ چپال... ۵

«زر روینده» در این قصیده و «زر رویان» که در قصیده دیگر فرخی آمده است با عبارت تاریخی گزیده که گفت معدن زر به شکل درختی پدید آمد تناسبی دارد.

اشاره به چپپال که محمود او را در ۳۹۲ مغلوب کرده است و ایلک خان نصر که به سال ۳۹۸ در دشت کتر نزدیک پل چرخیمان، چهار فرسنگی بلخ به اتفاق قدرخان از محمود شکست سختی خورد تاریخ سرودن قصیده را پس از واقعه اخیر قرار می‌دهد.
 دو- در قصیده دیگر به مدح سلطان محمود، با مطلع:

بزرگی و شرف و قدر و جاه و بخت جوان	نیابد ایچ کسی جز به مدحت سلطان
در ورود به مدح آرد:	
بر آب جیحون پل بستن و گذاره شدن	بزرگ معجزه‌ای باشد و قوی برهان...
و بعد از هفت بیت:	
بر آب جیحون در هفته‌ای یکی پل بست	چنانکه گفتمی کز دیر باز بود چنان...
و باز پس از نه بیت:	
علی نگین را کز پیش تو ملک بگریخت	هزار غزو همان بود و صد هزار همان...
و پس از شش بیت:	
به هر شمار قدر خان ازو فزونتر بود	درین سخن نه همانا که کس بود به گمان...
و پس از ده بیت:	
خدای داند و تو کآنچه هم بدو دادی	ز پیل و فرش و زر و سیم و جامه الوان...
و آنگاه پس از دو بیت:	

ولیکن ارچه فراوان عطا بدو دادی
 به گنجت اندر نقصان کجا پدید آید
 پدید نامد در هیچ گنج تو نقصان
 که باشد او را همسایه کوه زر رویان... ۷

اولاً گنج محمود و گنج خانه او در غزنین بوده است و کوه زر رویان که در همسایگی آن قرار داشته، ناگزیر در کوه غزنین خواهد بود، نه سیستان. ثانیاً پل بستن محمود بر جیحون برای تعقیب علی تگین که به دستاری بگتکین چوگاندار محمودی صورت گرفته در ۴۱۵ هجری بوده است و در همین سال است که محمود با یوسف قدرخان دیدار کرده و بدو هدایای بسیار و گوناگون داده است که شرح آن در تاریخ زین الاخبار گردیزی به تفصیل آمده است.^۱

سه - در قصیده‌ای به مدح محمود و اشاره به فتوحات او با مطلع:

چهره زافزون و عالی دولتست این دولت سلطان / که روزافزون بدو گذشته ست ملک و ملت ایران
پس از مقدمات گوید:

تو داری از کنار گنگ تا دریای آبسکون / تو داری از درِ گرگانج تا قزدار و تاشکوران
نه مال ماوراءالنهر در گنجت بیفزاید / نه در ملک تو افزونی پدید آید ز صد چندان
به ده چندان که در ده سال از آن کشور خراج آید / به یک هفته بر آید مرترا از کوه زر رویان... ۹

از این قصیده بر معتابه بودن آنچه از معدن زر غزنین استخراج می شده است می توان پی برد و تاریخ سرودن قصیده نیز ناگزیر پس از بازگشت محمود از ماوراءالنهر (۴۱۵ هجری) است.

چهار - در قصیده‌ای به مدح ابویعقوب عضدالدوله یوسف بن ناصرالدین برادر سلطان محمود با مطلع:

روزخوش گشت و هوا صافی و گیتی خرم / آبها جاری و می روشن و دلها بیغم...
پس از پنج بیت گوید:

برکشیدند به کهنساره غزنین دیبا / در نوشند ز کهنسایه غزنین سلخُم
کوه غزنین ز پی خسرو زر زاد همی / زاید امروز همی ز مُرد و یاقوت به هم... ۱۰

این قصیده تصریح بیشتری به محل معدن که کهنساره غزنین بوده است دارد.

پنج - در قصیده دیگر به مدح سلطان سعود غزنوی با مطلع:

خوشا عاشقی خاصه فصل جوانی / خوشا با پرچهرگان زندگانی
پس از نسیب و تغزل و ورود به مدح در سخن از انوهی لشکریان سلطان گوید:
سپاهبست او را که از دخل گیتی / به سختی توان داد شان بیستگانی
اگر نیستی کوه غزنین توانگر / بدین سیم روینده و زر کانی،
به اندازه لشکر او نبود / گرازخاک و از گل زندندی شیان... ۱۱

سلطان محمود در ۲۳ ربیع الاول سال ۴۲۱ هجری در گذشته است و سعود پسر بزرگتر وی، پس از آنکه برادر کهرش محمد هفت ماه در غزنین به جای پدر و به خواست او بر تخت سلطنت نشست، او را برکنار کرد و خود مستقلاً پادشاه شد، چون اولاً فرخی شاعر در ۴۲۹ هجری در گذشته است و ثانیاً پس از جنگ دندانقان و شکست خوردن سعود در همین سال سلجوقیان بر خراسان مسلط شده‌اند، لذا قصیده اخیر باید در فاصله ۴۲۲ تا ۴۲۹ سروده شده باشد آن هم در اوج اقتدار سعود و انوهی سپاهیان او و معدن زر مورد اشاره هم تا این سوات دایر بوده است. معدوم شدن آن بر اثر زلزله کوه نیز باید تا پیش از قتل سعود، یعنی ۴۳۲ هجری رخ داده باشد.

در مورد محل معدن این تلفیق را احتمالاً می توان داد که شاید کوهی که این معدن در آن واقع بوده در مشرق غزنین، به جانب سیستان، یا بر سر راه سیستان قرار داشته و از این جهت مستوفی، یا منبعی که مستوفی از آن نقل مطلب کرده است به سامحه سیستان نوشته باشند و به هر حال سخن فرخی از هر جهت یعنی هم از جهت محل و هم از جهت دوم معدن تا عهد سعود و معدوم شدنش به روزگار وی نه ایام محمود غزنوی نه واقعیت نزدیکتر است.

- ۱- الشاهنامه، با مقدمه و تصحیح دکتر عبدالوهاب عزام، چاپ مصر ۱۳۵۰ قمری (ص ۱۱).
- ۲- در چاپ لندن: محمود.
- ۳- تاریخ گزیده به تصحیح ادوارد براون، چاپ عکسی لندن ۱۳۲۸ قمری، ۱۹۱۰ میلادی (ص ۳۹۵) و چاپ طهران به تصحیح دکتر عبدالحسین نوائی، ۱۳۳۹ شمسی (ص ۳۹۲).
- ۴- تاریخ ایران عباس اقبال آشتیانی، به کوشش دکتر دبیرسیاقی، چاپ کتابفروشی خیام، طهران ۱۳۴۶ شمسی (ص ۲۵۶).
- ۵- دیوان فرخی سیستانی به تصحیح دکتر دبیرسیاقی، طهران ۱۳۶۳ شمسی (ص ۲۱۳ تا ۲۱۵).
- ۶- تاریخ ایران تألیف اقبال آشتیانی (ص ۲۵۸).
- ۷- دیوان فرخی سیستانی (ص ۲۴۹ تا ۲۵۲).
- ۸- زمین‌الایخار گردیزی چاپ بنیاد فرهنگ ایران به تصحیح عبدالمحی حبیبی، طهران ۱۳۴۷ شمسی (ص ۱۸۷ و ۱۸۸).
- ۹- دیوان فرخی سیستانی (ص ۲۵۴ تا ۲۵۸).
- ۱۰- دیوان فرخی سیستانی (ص ۲۳۳).
- ۱۱- دیوان فرخی سیستانی (ص ۴۳۳).

چند کتاب تازهٔ ایران‌شناسی

[‘Alī Ibn-Ḥāmid Kūfī] ‘Alī Ibn-Ḥāmid Ibn-Abī-Bakr al-Kūfī: Fathnāma-i-Sind ma‘rūf ba-Čačnāma. [Hrsq.:] Nabī Bahāḡ Ḥān Balūč. ([Engl. Nebent.:] Fathnamah-i-Sind. Being the orig. record of the Arab conquest of Sind known later by such other names as "History of Dāhar son of Čach", "Tāriḡh-i-Hind wa Sind", "Tāriḡh-i-Fath-i-Sind alias Čačnāma", "Minhāj al-musālik alias Čačnāma", "Tāriḡh-i-Qāsīmī", or simply as "Čač-nāma". Persian text. Ed. with introd., notes and comm. by N. A. Baloch.

‘Almābād: Idāra-i-Tāriḡ wa Taqāfat wa Tamaddun-i-Isfāhān ۱۴۰۱ h.q. = 1983. Getr. Seitenz. [Pers.]

Anvari-Alhosseyni, Shams: Logaz und Mo‘mmā : e. Quellenstudie zur Kunstform d. pers. Rätsels / von Shams Anvari-Alhosseyni. - 1984. - XV, 291 S. Auch als: Islamkundliche Untersuchungen; 116. - Köln, Univ., Diss., 1985

Balcer, Jack M.: Herodotus & [and] Bisitun : problems in ancient Persian historiography / Jack Martin Balcer Stuttgart : Steiner-Verlag-Wiesbaden-GmbH, 1987. - 166 S. : Ill.

Götz, Lothar: Gilan, Iran : traditionelle Architektur u. Konsequenzen für d. Stadtentwicklung ; Forschungsbericht / Lothar Götz ; Issa Madani. Inst. für Baustofflehre, Bauphysik, Techn. Ausbau u. Entwerfen, Univ. Stuttgart
Stuttgart : Inst. für Baustofflehre, Bauphysik, Techn. Ausbau u. Entwerfen, 1986. - VI, 283 S. : 146 Ill., graph. Darst. u. Kt.
Literaturverz. S. 272 -